

استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی علیه السلام

مصیب ایرانی^۱

چکیده:

مقاله با نگاهی اجمالی به بحث وحدت و با روش تحلیل محتوا، به نظرات امام خمینی علیه السلام درباره وحدت و اهمیت آن برای جامعه اسلامی و مضرات تفرقه می‌پردازد. امام وحدت و انسجام اسلامی را یک استراتژی می‌داند نه یک تاکتیک و مبانی وحدت را به دو بخش برون‌دینی و درون‌دینی تقسیم می‌نماید. وی با استنباط از قرآن و سنت، مراحل اتحاد را، بیداری خویش و مبارزه با نفس و سپس آگاه کردن جامعه و صاحبان فکر و اندیشه می‌داند. هم‌چنین، امام عامل تفرقه را پیروی از هوای نفس و تلاش برای برتر نشان دادن خود می‌خواند.

کلیدواژه‌ها: وحدت، وحدت ملی، انسجام اسلامی، استراتژی، بیداری.

هدف تحقیق

نوشته پیش‌رو در صدد بیان نکات و مطالبی است که خواننده را در حد توان با مبانی و ساختارهای یک وحدت تمام عیار آشنا نماید. راه‌کاری که بتوان به وسیله آن ضمن فراخواندن جوامع اسلامی و جامعه ایران اسلامی به وحدت، اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام را نیز به صورت مختصر بیان نمود که برای رسیدن به اتحاد و انسجام دولت‌های اسلامی تنها استناد به روایات و آیات کافی نیست بلکه باید دید عمل به آنها چگونه خواهد بود.

اهمیت تحقیق

در این زمانه که دولت‌های غربی با تشکیل اتحادیه‌ها و کنفرانس‌های منطقه‌ای و جهانی برای یک‌پارچگی خویش تلاش کرده و هر روز در صدد منزوی کردن کشورهای اسلامی و توهین به مقدسات مسلمانان هستند، بحث از زبان و قوم و مذهب در میان کشورهای اسلامی توهین به شعور مسلمین است. استکبار با برنامه‌ریزی حساب شده خویش سعی در نابودی مسلمانان دارد و آنچه که به آنها کمک

۱- محقق و نویسنده.

می‌کند زور و تسلیحات آنان نیست بلکه افراد داخلی هستند که به بهانه‌های واهی قوم و مذهب‌گرایی دست‌های خویش را تا مرفق به خون مسلمین آغشته نموده‌اند؛ از این رو لازم است تمام افراد جامعه اسلامی از سران، نخبگان و افراد عادی برای دستیابی به وحدت و هم‌دلی گام بردارند.

مقدمه

وحدت و انسجام ملی و اسلامی از مقوله‌هایی است که از دیرباز مورد توجه عالمان و خادمان به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بوده و تا گسترش واقعی اسلام بر تمام عالم ادامه پیدا خواهد کرد. بزرگانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری توجه زیادی به این مقوله داشته و دارند.

شهید مطهری می‌گوید: «یکی از علایم حیات یک جامعه این است که هم‌بستگی میان افرادش بیشتر است. خاصیت مردگی، متلاشی شدن و متفرق شدن و جدا شدن اعضا از یک‌دیگر است. خاصیت زندگی یک اجتماع هم‌بستگی و پیوستگی بیشتر اعضا و جوارح آن اجتماع است. (درمانامه ذکر، ش ۲۰، آذر ۸۶، ص ۱۰ به نقل از شهید مطهری، ص ۱).

مصلحان، دانشمندان و روشن‌فکران اسلامی عصر ما اتحاد و هم‌بستگی ملت‌ها و فرقه‌های اسلامی را به خصوص در اوضاع و احوال کنونی که دشمن از همه طرف به آنها هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه اختلافات کهن و تولید اختلافات نوین است از ضروری‌ترین نیازهای اسلامی می‌دانند.

شهید صدر می‌گوید: «امروز وضع مسلمانان تقریباً نقطه مقابل این تعالیم مقدس است. مسلمانان اغلب به مسائل اجتماعی توجه ندارند، کمتر کسی است که اصولاً منافع و مصالح اجتماعی را بشناساند. بیشتر مسلمان‌های عصر ما جز مصالح شخصی اصولاً مصلحتی نمی‌شناسند. هر وقت نام مصلحت و منفعت برده می‌شود جز مصلحت خودشان و مصلحت زن و فرزندشان به فکر آنها خطور نمی‌کند. چه بسیارند کسانی که اگر از آنها بپرسند آقا! آدمیزاد خوب وقتش را صرف چه بکند، در جواب تو، همه چیز را می‌شمارند جز مصالح اجتماعی را، تازه آن عده ممدود که مصالح اجتماعی را بشناسند اغلب آن‌قدر همتشان کوتاه است که کمترین منفعت شخصی خود را به مصالح و منافع عالی امت مقدم دارند.» (پیشین، ص ۱۲ به نقل از شهید صدر).

سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز در توصیه خود به وحدت، چنین می‌گوید:

«من نمی‌گویم که بر همه کشورهای اسلامی یک نفر حکومت کند، زیرا این کار بسیار مشکلی است، ولی امیدوارم که حاکم و سلطان همه ملت‌های مسلمان تنها قرآن باشد، و عامل وحدت و یگانگی آنها دین آنها. با این وحدت، هر پادشاهی می‌تواند در کشورش برای حفظ حقوق دیگر کشورهای اسلامی کوشش کند، زیرا حیات او به حیات آن دیگری و بقایش به بقای ملت دیگر مسلمانان بسته است.» (پیشین، به نقل از سید جمال‌الدین اسدآبادی).

در این مقاله سعی شده است با روش تحلیل محتوا و بیان دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام در مورد وحدت، به چگونگی نگاه ایشان برای رسیدن به آن، که از خودسازی در مرحله ابتدایی و وحدت ملی و... شروع و به وحدت جهانی ختم می‌شود، اشاره گردد.

مفاهیم

وحدت، در لغت عبارت است از: یکی شدن، یک‌دست شدن، حول محوری چرخیدن، برادری، اتحاد، مرکب شدن و اتفاق (دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۰۴۵۲).

انسجام نیز به معنای روان شدن اشک و جز آن، روانی در کلام... هماهنگی و همواری آمده است. (پیشین).

اتحاد و وحدت ملی مقوله‌ای است که بیشتر جنبه داخلی دارد و در چارچوب مرزهای کشور معنا می‌یابد و اصطلاحات دیگری هم‌چون، وفاق ملی، هم‌بستگی ملی و وحدت، تا حدودی به این مفهوم شبیه می‌باشد.

و در اصطلاح، یعنی برنامه‌ای برای رسیدن به اهداف عالی و بلندمدت که از اندیشه طرف نشأت گرفته باشد؛ در مقابل تاکتیک که برای گذر از مرحله‌ای مطرح می‌شود.

نگاه امام به مسئله وحدت و انسجام

تلاش در جهت بیداری فردی و گروهی مسلمانان و ایجاد وحدت برای پیاده کردن اسلام واقعی در جهان و بازگشت عزت و کرامت مسلمانان، از خصوصیات بارز امام خمینی علیه السلام بود. وی می‌گوید: «هان ای مسلمانان قدرتمندا به خود آبیید و خود را بشناسید و به عالم بشناسانید و اختلافات فرقه‌ای و منطقه‌ای را که به دست قدرت‌های جهان‌خوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما (به وجود) آمده به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید و تفرقه‌افکنان از قبیل آخوندهای جیره‌خوار و ملی‌گرایان بی‌خبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید که ضرر اینان از ضرر جهان‌خواران کمتر نیست اینان اسلام را وارونه نشان می‌دهند و راه را برای غارت‌گران باز می‌کنند» (نیان، شماره ۱۵، ص ۲۰۵).

«بر خلاف تصور دوستان جاهل یا دشمنان مکار، در مکتب نظری و عملی امام، وحدت یک تاکتیک یا ابزار مصلحتی برای پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی انقلاب اسلامی نبود، بلکه جوهره درک وی از «عزت و اقتدار مسلمین» و ماهیت «اجتماعی و سیاسی مکتب اسلام» و تمبذ معرفت‌شناسانه ایشان از اصول و تعالیم قرآنی و دستورالعمل‌هایی چون «وَ اغْتَصِبُوا بِهِئِلَ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» به مسئله وحدت آن‌چنان جایگاهی بخشیده بود که با همه اعتقاد و ایمان و صف‌ناپذیرش به حقانیت اهل بیت، هرگز حاضر نشد در محافل و مجامعی که به اسم حمایت از ولایت تشکیل شده و باعث تفرقه میان مسلمین می‌شود شرکت کرده یا دیگران را تشویق به شرکت در آنها کند.» (پیشین).

امام وحدت را به عنوان یک استراتژی قبول داشت؛ وحدت ملی برای حفظ کشور، به غارت نرفتن منافع ملی؛ انسجام و اتحاد اسلامی، برای حفظ عزت مسلمین و ضربه نخوردن اسلام و قرآن، و اتحاد جهانی بین مستضعفین برای مبارزه با استکبار، زیرا او بارها و بارها بر اتحاد برای پیروزی مسلمین تأکید

نموده و میوه‌های وحدت را از جمله پیروزی، نابودی دشمنان، شکوفایی، پیشرفت کشور و مسلمین و... بر می‌شمرد.

امام خمینی علیه السلام همانند اسلاف خویش، هم‌چون ملامهدی نراقی که قائل بودند ابتدا باید فرد با خودسازی، عدالت را ملکه خویش قرار داده و مبارزه با نفس داشته باشد تا بتواند در اجتماع نیز با اجرای عدالت و حفظ ارزش‌های اسلامی حاکم مورد تأیید شرع باشد (عارفی، ۱۳۸۶، ص ۶۳)، معتقد بود شخص باید برای هر حرکت اجتماعی زمینه‌های آن را در خویش به وجود آورده و با مبارزه با نفس و سعه صدر وارد اجتماع شده تا بتواند جامعه را بعد از بیداری هدایت نماید.

وحدت مورد نظر امام از مرحله بیداری شروع و با مرحله اتحاد جهانی مستضعفین خاتمه می‌یابد که نتیجه آن اجرای عدالت در سطح گیتی خواهد بود.

وی معتقد است علما و دانشجویان حوزه و دانشگاه باید بیدار باشند و دیگران را نیز هدایت نمایند؛ «چرا این قدر خوابید؟ ای سران! چرا این قدر خوابید؟ چرا چشم‌هایتان را باز نمی‌کنید؟ هر که، هر جا صحبت می‌کند به ضد هم صحبت می‌کند. هر جا می‌نویسد به ضد هم می‌نویسد، باید بیدار شویم، اگر خدای نخواستہ جدا کردند روحانی را از ملت و جدا کردند ارتش را از ملت و هر کدام علی حد کردند... دیگر نه بازاری از او کاری می‌آید که انجام بدهد و نه دانشگاهی. تا شما با هم مجتمع هستید، تا با هم هستید می‌توانید کار بکنید.» (تیان، ش ۱۵، خرداد ۱۳۷۶، ص ۲۴۱).

از عوامل ایجاد وحدت، می‌توان به تحمل حرف‌های مخالف و اعتقاد به حل مشکل از طریق گفت‌وگو اشاره کرد که این امر میسر نمی‌شود مگر با خودسازی و مبارزه با نفس؛ از این رو، در اندیشه امام، مسئله مبارزه با نفس، برای رسیدن به وحدت بسیار مهم و ضروری است تا جایی که وی قائل است کسانی که مسائل تفرقه‌انگیز را مطرح می‌کنند درد دین و اسلام ندارند بلکه در بند خودخواهی هستند؛

«اختلاف نداشته باشید در امور، اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است. اگر همه انبیا الآن در اینجا جمع شوند اختلاف ندارند، برای این که جهات نفسانی را ندارند. آن وقت که یک طرف جهت نفسانی دارد و یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند آن وقت اختلافات پیدا می‌شود، کوشش کنید که آن جهات نفسانی، بازیتان ندهد که منشأ مناقشه و اختلاف شود...» (پیشین، ص ۳۶۷).



مبانی وحدت از نگاه امام خمینی علیه السلام

۱- برون دینی (عقل و عرف)؛

۲- درون دینی (قرآن و سنت).

آن چه که در عقل و عرف در گستره اتحاد مطرح است آن است که هر عاقلی می‌داند باران آن گاه که قطره قطره از آسمان می‌بارد مخرب نیست؛ اما آن گاه که با هم جمع می‌شود، سیل به راه انداخته و سدها را از بین می‌برد. امام پس از توصیه به وحدت به این مثال معروف اشاره می‌کند که: «بیرمردی چند فرزند داشت و دستور داد چوب‌هایی را آوردند و به یکی از آنها چوبی داد و گفت بشکن و او شکست... اما وقتی

چوب‌ها زیاد شد دیگر توان شکستن آن را نداشت. سپس پیرمرد گفت: شما مثل همین چوب‌ها هستید، اگر با هم باشید کسی شما را شکست نخواهد داد ولی اگر از هم جدا بودید شکست خواهید خورد».

علاوه بر مبانی قرآنی و حدیثی در اندیشه امام، مسائل عقلی و عرفی نیز برای آن بزرگوار بسیار مهم و قابل توجه بوده است به نحوی که می‌فرماید: «عقل سیاسی اقتضا می‌کند که امروز با آن اشخاصی که حتی در رویه هم با ما مخالفت دارند لکن در اصل مقصد با ما موافق‌اند یا ملت ما موافق‌اند، مسیرشان مسیر ملت است دست از تمام این اختلافات برداریم تا این مملکت را آرام کنیم» (پیشین، ص ۳۳).

امام اقتضای عقلی را زمینه تحمل مشکلات، و جلوگیری از نابود شدن می‌داند؛ «شما بدانید که اگر ما دست به دست هم ندهیم، همه‌مان با هم نباشیم، زمینمان خواهند زد، مجلس را زمین می‌زنند، دولت را زمین می‌زنند، روحانیت را زمین می‌زنند، همه زمین می‌خورند، پس عقل اقتضا می‌کند که ما الآن مشکلات را تحمل کنیم، مردم مشکلات را تحمل کنند.» (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۸۵).

امام ضمین توصیه به همه افراد جامعه اسلامی به مروت با دوستان و سرسختی با دشمنان، مقصد نهایی همه را سربلندی اسلام و ایران و اقتضای عقلی را وحدت کلمه می‌داند؛

«باید توجه داشت که باید با هم باشیم و در مقابل آنها محکم بایستیم و با خودمان رؤف باشیم و در مقابل دشمنان سرسخت، این را عقل اقتضا می‌کند که وقتی عده‌ای مخالف داریم، خودمان مخالفت‌مان را کنار بگذاریم تا با وحدت کلمه، این مملکت برسد به آن‌جا که همه دلمان می‌خواهد.» (پیشین، ص ۱۵۴).

قرآن و سنت

امام به عنوان یک اندیشمند و آشنا به مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام مبانی اندیشه خویش را برگرفته از قرآن و سنت می‌داند و امیدوار است با تمسک به آن دو و توحید کلمه اسلام حفظ گردد.

مسئله تکلیف‌گرایی امام در باورهای عمیق ایشان نسبت به آرمان‌های اسلامی ریشه دارد؛ از این رو وی می‌فرمود: «الآن تکلیف است بر همه ما مسلمین، وحدت کلمه، در رأس همه کلمات که همه متفق‌الکلمه باید باشند و اگر کسی تخلف کند، به اسلام خیانت کرده است» (تبیان، پیشین).

همان‌طور که گفته شد، اندیشه امام و اعتقاد او به وحدت یک تاکتیک نبود بلکه آرمانی بزرگ برای سربلندی اسلام بود، زیرا مخالفت با آن را جرمی بزرگ می‌دانست؛

«امروز این مسئله تضعیف وحدت جرم بسیار بزرگی است».

امام سران ممالک اسلامی را نیز به وحدت توصیه می‌نماید:

«الآن بر رؤسای اسلام، بر سلاطین اسلام، بر رؤسای جمهوری اسلام تکلیف است که این اختلافات جزئی موسمی را که گاهی دارند، این اختلافات را کنار بگذارند، عرب و عجم ندارد، ترک و فارس ندارد، اسلام، کلمه اسلام، پیغمبر اسلام ﷺ همان‌طوری که خودشان طریقه مبارزه‌شان بوده است باید این‌ها هم تبع باشند، تبع اسلام باشند، اگر وحدت کلمه خودشان را حفظ کنند، اگر این اختلافات جزئی موسمی را کنار بگذارند، اگر همه با هم هم‌دست بشوند، هفتصد میلیون می‌گویند، هفتصد میلیون متفرق به قدر یک میلیون هم نیستند، هفتصد میلیون متفرق به درد نمی‌خورند، هزارها میلیون هم به درد نمی‌خورد...».

امام با توجه به برداشت خود از آیات و روایات، وحدت را یک تکلیف می‌داند و معتقد است که اگر می‌خواهیم ثابت کنیم پیرو ائمه هستیم باید به آن عمل نماییم؛ عمل به «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ...» و

«إِنَّمَا التَّوَمُّونَ إِخْوَةٌ» و «يدالله مع الجماعة». وی می‌فرماید: «حضرت امیر علیه السلام در بسیاری از اموری که برایش خیلی سخت بود، دندان روی جگر می‌گذاشت و موافقت می‌کرد برای مصالح کلی، برای مصالح اسلام، ما اگر تبعیت از او داریم باید این‌طور باشیم، اگر یک مقدار هم تبعیت داریم یک مقداری همین‌طور باشیم...» (صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۲۰-۱۲۱).

وحدت ملی

اتحاد ملی مقوله‌ای است که همه باید در ایجاد و استمرار آن نقش واقعی داشته باشند و مشارکت عمومی و حضور فعال گروه‌های مختلف را در عرصه تعیین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها طلب می‌کند. «واکر کانور» در تئوری خود برای تحقق اتحاد ملی، بر مؤلفه‌های همکاری، مشارکت و همگامی گروه‌های قومی، مذهبی و زبان اقلیت‌ها تأکید می‌کند. وی در این باره می‌گوید:

«تحلیل‌گران جهان سومی، ناهمگونی قومی را کم و بیش نادیده گرفته، یا صرفاً پدیده‌ای زودگذر تلقی کرده‌اند. در گذشته تئوری توسعه سیاسی، ملت‌سازی به شمار می‌رفت اما حامیان این تئوری به ندرت بیان داشتند که چگونه یک آگاهی ملی واحد در بین عناصر متفرق قومی به وجود خواهد آمد، در واقع هم‌بستگی درون‌ساختاری می‌تواند زمینه‌های لازم برای حداکثرسازی پویایی سیاست خارجی کشورها را به وجود آورد. این امر به مفهوم آن است که انسجام ایدئولوژیک بدون هم‌بستگی درون‌ساختاری امکان‌پذیر نخواهد بود» (ماهانامه همشهری دیپلماتیک، ش ۱۳، ص ۱۶).

قانون اساسی جمهوری اسلامی برترین سندی است که عمل به آن باعث ایجاد زمینه‌های مناسب برای وحدت و انسجام اسلامی خواهد بود.

این قانون، ضمن برشمردن آزادی‌های سیاسی و عقیدتی که باعث رشد جامعه خواهد شد، به حقوق اقلیت‌های دینی و حقوق مذاهب پرداخته است. طبق اصل ۱۴، به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ» دولت و مسلمانان موظف‌اند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.

امام خمینی علیه السلام که خود از بانیان قانون اساسی بود در نطقی راجع به اقلیت‌ها می‌فرماید: «همه اقلیت‌ها مطمئن باشند که اسلام با اقلیت‌ها همیشه به‌طور انسانی به‌طور عدالت رفتار کرده است و همه در رفاه هستند و اینها هم مثل سایر اقلیت‌ها جزئی از ملت ما هستند و ما و آنها با هم در این مملکت زندگی می‌کنیم، ان شاء الله رفاه همه حاصل خواهد شد و رمز این پیروزی که وحدت کلمه است باید حفظ شود...» (صحیفه نور، ج ۵، ص ۹۷).

همان‌طور که گفته شد، خاستگاه اندیشه امام قرآن و سنت بوده و با تمسک به آیات و عمل به سیره پیامبر حقوق اقلیت‌های مذهبی را مورد توجه قرار می‌داد. در یکی از مهم‌ترین پیمان‌های عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله برای اتحاد ملی چنین آمده است: «صلح مؤمنان یکی بیش نیست و هیچ مؤمنی بدون توافق سایر مؤمنان در جهاد فی سبیل الله نمی‌کند و صلحی که بر اساس عدالت و برابری استقرار یافت برای همگان الزام‌آور است و همه باید آن را رعایت کنند، مسلمانان و یهودیان یک امت واحده‌اند و مانند یک ملت در مدینه زندگی می‌کنند و هر یک دین خود را هم خواهند داشت و هم‌پیمانان یهود نیز

در حکم آنها هستند مگر کسانی که ستم کنند و مرتکب گناه شوند که چنین افرادی موجب زحمت برای خود و اهل خانه خود می‌شوند.» (تاریخ، ابراهیم حسن و پاینده، ۱۳۶۲، ص ۱۰۰-۱۰۱).

این تدبیر بهترین مقوله برای به وجود آوردن وحدت و هم‌بستگی دینی بود، زیرا از یک سو، وحدت میان قبایل دیگر، حقوق اجتماعی یهودیان و نیز انصار و مهاجران مسلمان را تضمین می‌کرد و از سوی دیگر، این پیمان‌ها مقدمات تشکیل یک حکومت واحد سیاسی، ملی و دینی را فراهم می‌آورد.

پیامبر در پیمان خویش علاوه بر این که از تعرض مسلمین به اقلیت‌ها جلوگیری کرده، حتی یاری رساندن به مخالفانشان را نیز منع می‌کند «... و موارد دیگر، چون با یهودیان هم‌پیمان، معاونت و به کمک آنها می‌شود و تحمیلی بر آنها روا نیست و مخالفانشان نیز یاری نخواهند شد.» (پیشین).

مستشرقان می‌نویسند این سند اساسنامه جماعت مسلمانان مدینه است که بر پایه ایمان و نیز پیمان منعقد شده با قبیله‌های اوس و خزرج مدون شده بود، و پیداست که پیامبر ﷺ هنگامی که رئیس جماعت مسلمانان بوده در عین حال رهبری سیاسی شهر مدینه را به عهده داشته و مقنن و داور آن شهر بوده است. (پیشین).

امام در عین دفاع جانانه از مرزهای جمهوری اسلامی، ملی‌گرایی صرف را قبول نداشته و معتقد بود ملی‌گرایی کشور را در مقابل سایر کشورهای اسلامی قرار می‌دهد. وی اتحاد ملی را زمینه اتحاد اسلامی می‌دانست و معتقد بود ایران به عنوان یک بال پرواز به سوی قدرت مسلمین باید عمل نماید، از این رو هر گونه شائبه تفرقه و ایجاد آن را به شدت مزمت می‌کرد؛

«از ملی‌گرایی خطرناک‌تر و غم‌انگیزتر ایجاد اختلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌ساز بین برادران اسلامی است.» (سحینه نور، ج ۱۳، ص ۲۵۹).

گاهی اوقات، امام برای جلوگیری از تفرقه از طرف مسئولین، آنها را به پیروی از مردم سفارش می‌فرمود، زیرا در بین مردم اختلافات یا کمتر بود و یا ریشه‌ای نبود. البته چه بسا به این معنا باشد که پست‌ها و مقامات، شما را گمراه نکند و علم حجاب اکبر برای نخبگان نشود، و یا ممکن است به خاطر احترامی باشد که امام برای مردم و انتخاب درست آنان قائل بود؛

«من از همه ارگان‌های دولتی و ملی و همه گروه‌ها می‌خواهم که از گروه‌گرایی و دسته‌بندی و فرصت‌طلبی و هوای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار دهند و از راهی که ملت می‌رود منحرف نشوند و خداوند عالم را حاضر و ناظر ببینند و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند و در صدد تضعیف یک دیگر برنمایند و با ملت رزمنده پیش روند که خدا با آنان است و پیروزی نهایی نصیب آنان است.» (پیشین، ج ۱۲، ص ۱۸۲).

امام خمینی علیه السلام، اتحاد ملی، اتحاد همه قشرها را خواستار بود و نسبت به اتحاد مراکز و جمعیت‌هایی که نقش محوری داشتند حساسیت بیشتری به خرج می‌داد؛

«ما امیدواریم که همه طبقات، چه طبقات علما و مجتهدین و چه طبقات محصلین علوم دینی و چه بازاری‌ها، بازرگان‌ها و چه لشکری‌ها و کشوری‌ها که همه خون دل می‌خوردند از دست این خبیث، (شاه و اسرائیل) ما امیدواریم که تمام اینها دست اتحاد به هم بدهند، احزاب سیاسی ما مستقلاً کار نکنند، همه با هم روابط داشته باشند...» (تبیان، ش ۱۵، ص ۲۲۱).

شناخت دشمن و آشنایی با برنامه‌ها و توطئه‌های آنها و آمادگی لازم و هماهنگی، از مشخصه‌های وحدت از دیدگاه امام است:

«من از همه ملت می‌خواهم، از همه قشرهای ملت که ما امروز مواجه با یک اجنبی هستیم (آمریکا) یک اجنبی که می‌خواهد این مملکت را به غارت هر چه هست ببرد... آقا! ننگش دارید این مملکت را، مملکت مال شماست...» (پیشین، ص ۲۳۱).

«باید همه با هم همراه باشیم، یعنی نه همین شما، نه همین سپاه و عرض کنم... ارتش، نه همین قوای مسلح، ما همه ایران همه افراد ایران از روحانیون گرفته تا بازاری‌ها، تا مجلس تا همه‌جا، وقتی همه اینها هم شدند یک قدرت، یک قوه هستند و این قوه می‌تواند در مقابل همه چیز ایستادگی کند...» (پیشین، ص ۲۴۷).

امام نسبت به وحدت میان روحانیت نیز تأکید زیادی داشت، زیرا معتقد بود اختلاف بین علما باعث ایجاد اختلاف بین مردم کوچه و بازار گردیده و این خطری بزرگ برای اسلام و ایران می‌باشد:

«اگر در قشر روحانی خدای نخواستہ مردم احساس کنند که این اختلافات برای دنیا است، برای دین که اختلافی در کار نیست، همه ما، همه ما یک دین داریم، یک قرآن داریم، اگر اختلاف پیدا بشود اختلاف روی اساس دین نیست، شیطان است که اختلاف می‌اندازد...» (صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۶۶).

«مطلب دیگری که باز انسان را می‌ترساند که خدای نخواستہ مبادا این انقلاب به واسطه این مطلب صدمه ببیند و بدانید اگر خدای نخواستہ بشود و او این است که بین آقایان در بلاد اختلاف باشد... این اختلاف به بازار هم کشیده می‌شود... به خیابان هم کشیده می‌شود برای این که شما هادی مردم هستید، مردم توجه دارند، قهرأ یک دسته دنبال آن کسی که با شما مخالف است...» (پیشین، ج ۱۸، ص ۴۶).

گاهی امام برای انقلاب تنها یک نتیجه را کافی می‌دانست و آن اتحاد بین حوزه و دانشگاه بود:

«اگر این نهضت غیر از این یک خاصیت نداشت که بین طلاب علوم دینی و قشر دانشگاهی یک رابطه پیدا شد، اگر... غیر از این ما هیچی نداشتیم این بالاترین چیزی بود که نتیجه‌ای بود که حاصل شد از این نهضت، اگر بگذارید بماند، اگر بگذارند که باز این نتیجه باقی بماند، جدید کنید، آقا! رمز تقدم شما، امروز، رمز پیروزی شما وحدت کلمه است، اگر وحدت کلمه را از دست شما گرفتند باز همان اسارت است و باز همان غارت‌گری‌ها اعاده می‌شود، مثل سابق نیست، سابق عذر داشتند، نمی‌توانستند، فهمیدید که می‌توانید، شما نیرو دارید، ملت با شماست، شما در هر شهر و در هر دهی نیرو دارید، هر روزی که می‌خواهید یک کاری بکنید نیروهای شما مردم را راه می‌اندازند. با هم باشید، مجتمع باشید، مهذب باشید، وحدت کلمه‌تان را حفظ کنید. الآن در صدند که شماها همه را به جان هم بیاندازند و استفاده نکنند» (تبیان، ش ۱۵، ص ۲۷).

همان‌طور که بیان شد، امام مراحل وحدت را مانند وحدت احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و... مورد توجه قرار می‌دهد تا بتواند این گفتمان را به صورت گفتمان غالب در جامعه ملی اسلامی و در نهایت جامعه مستضعفین جهان مطرح نماید؛ «من توصیه می‌کنم به همه ملت‌ها که این رمزی که در ایران به آن رمز غلبه پیدا شد برابر قدرت‌ها آن رمز را آنها به کار ببرند (یعنی ایران الگوی مناسبی برای وحدت جوامع با هم سپس با کشورهای اسلامی و مستضعف می‌باشد) وحدت، اتکالی به خدا، تقویت ایمان، اتکال به قرآن کریم، اتکال به اسلام، وحدت کلمه رمز پیروزی ما، وحدت کلمه و اتکال به خدای تبارک و تعالی، همه با

هم می‌گفتیم استقلال آزادی، جمهوری اسلامی، خداوند این وحدت کلمه را بین ملت‌های اسلام و در بین ایران حفظ کند...» (پیشین، ص ۱۶۷).

انسجام اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

انسجام اسلامی به معنای هم‌گرایی پیروان مذاهب مختلف در عین وجود اختلافات مذهبی است، زیرا حذف اختلاف و تنوع فکری و مذهبی نه ممکن است و نه مطلوب. آنچه مطلوب و شدنی است یافتن راهبردهای نظری و عملی برای مدیریت صحیح پدیده تمدد باورهای مذهبی و جلوگیری از آسیب‌ها و پیامدهای زیان‌بار واگرایی اسلامی است. پس انسجام اسلامی عبارت است از: همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و در پیش گرفتن موضع واحد برای تحقق اهداف عالی امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود.

امام با توجه به اوضاع اجتماعی حاکم و نقش بیگانگان در استعمار و استثمار کشورهای اسلامی می‌فرماید: «رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی، اختلاف و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی...» (صحیبه امام، ج ۱، ص ۱۶۰).

ایشان اختلافات مذهبی را مانع هم‌بستگی در برابر دشمن خارجی نمی‌داند؛ «البته سنی و شیعه در عقاید، در بسیاری از عقاید مختلف‌اند... آزادند... عقاید مختلف اسباب اختلافات خارجی چرا بشود» (پیشین، ج ۲۰، ص ۳۳).

«آنهایی که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند نه سنی هستند و نه شیعه... اینها نیست جز این که قدرت‌های بزرگی فهمیده‌اند آن چیزی که آنان را عقب زده است اسلام و وحدت مسلمین و برادری بین همه امت اسلامی است...» (تبیان، ش ۱۵، ص ۲۱۷).

امام برای رسیدن به اتحاد فراگیر اسلامی، مبارزه با نفس و قرار گرفتن در تحت لوای کلمه «لا اله الا الله» را در اولویت قرار می‌دهد؛ «اگر همه ملت‌ها و دولت‌های اسلامی اغراض شخصی را کنار بگذارند همه با هم به اسلام رو بیاورند و تحت لوای کلمه لا اله الا الله باشند قدرت اول را در دنیا احراز می‌کنند، برای این که معنویت اسلام کمک آنهاست و خدای تبارک و تعالی پشتیبان...» (پیشین، ص ۱۶۹).

اتحاد مستضعفان

از آن‌جا که مسلمانان و مستضعفان از استعمار و استکبار و قدرت‌نمایی قدرت‌های غربی ضربه می‌خورند، امام چاره را در اتحاد مستضعفان می‌داند:

«یک گرفتاری هم گرفتاری همه جهان است، همه مستضعفان جهان، این گرفتاری به اضافه همه گرفتاری‌ها زیر سر آمریکا و شوروی است. اگر آمریکا پشتیبانی از اسرائیل نمی‌کرد، اسرائیل می‌توانست فلسطین را غصب کند؟

... این همه خونریزی‌هایی که در بلاد مسلمین می‌شود با تحرکات آمریکا است... دنیا اگر بخواهد از شر فساد آسوده باشد باید همه مستضعفین دست به هم بزنند و قدرت‌های اینها را محدود کنند... بالاخره اگر بخواهد بشر، مستضعفین عالم اگر بخواهند یک زندگی شرافتمندانه انسانی داشته باشند، باید همه

مستضعفین جهان به هم دست بدهند و قدرت این قدرت‌مندان که حق وتو دارند، اینها را باید محدود کنند...» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۲).

امام راه جلوگیری از آسیب رسیدن به اسلام و مسلمین را نیز اخوت و برادری میان مسلمانان می‌داند؛ «اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم الا برادری خودمان را، انسجام پیدا می‌کنیم. همه مؤمنین را همه مؤمنین را قرآن می‌خواهد که با هم برادر باشند و غیر از این هم نباشد در بین، اگر همه مؤمنین در قطره‌های اسلامی، در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت بینشان انداخته است همین یک دستور را عمل بکنند قابل آسیب دیگر نیست...» (پیشین، ج ۱۱، ص ۱۴۸).

اهمیت دغدغه‌های امام، زمانی برای جهان اسلام بیشتر قابل فهم است که از نوع نگاه غربیان به کشورهای اسلامی و کشورهای مستضعف فکری و علمی آگاهی یابیم.

«لوئی پیزو» مسئول تحقیقات هسته‌ای فرانسه می‌گوید: «غربی‌ها همواره متقاعد شده بودند که کشورهای تولید کننده به اندازه کافی اختلاف سیاسی، مذهبی و نژادی دارند که بتوان تا ابد از آنها علیه هم‌دیگر استفاده کرد...» (مجله خردندی‌ها، ش ۴۹، ۱۳۵۲).

از این رو امام از روز اتحاد و هم‌دلی مسلمین برای جلوگیری از چپاول منابع مالی کشورهای اسلامی به عنوان «روز مبارک» یاد می‌کند؛

«آن روز مبارک است بر ما که سطره جهان‌خواران بر ملت مظلوم ما و سایر ملت‌های مستضعف شکسته شود و تمام ملت‌ها، سرنوشت خودشان را به دست خودشان بگیرند و دولت‌ها بیدار بشوند و ببینند که با داشتن آن همه ابزار و آن همه انسان و قوای انسانی و آن همه اراضی وسیع و ذخایر زیرزمینی برای این‌که ما توجه نکردیم به دستورات اسلام که بین همه مسلمان‌ها عقد اخوت بسته است و همه را دعوت به اعتصام و جبل‌الله و پیروی از خط اسلام می‌فرماید نکردیم...» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۴۲).

در پایان این قسمت، به صورت فهرست‌وار به وظایف مهم امت اسلامی در راستای تحقق اتحاد اسلامی، که در اندیشه و کلام امام وجود دارد، اشاره می‌شود:

- ۱- توسعه دین‌مداری به عنوان پیش شرط تحقق اتحاد اسلامی؛
- ۲- گشودن باب گفت‌وگوهای سازنده بین خواص فرقه‌های اسلامی؛
- ۳- نهراسیدن رهبران سیاسی کشورهای اسلامی از تحقق وحدت اسلامی؛
- ۴- انعقاد پیمان‌های دفاعی مشترک بین کشورهای اسلامی؛
- ۵- انعقاد پیمان‌های اقتصادی و بازارهای مشترک بین کشورهای اسلامی؛
- ۶- ترویج فرهنگ حرمت‌داری در نوشتارها؛
- ۷- برقراری ارتباط میان مراکز علمی کشورهای اسلامی.

زمینه اتحاد و هم‌بستگی

در گفته‌ها و نوشته‌های امام به این مطلب رسیدیم که برای رسیدن به اتحاد باید از بیداری خویش و سپس آگاه کردن جامعه و صاحبان فکر و اندیشه شروع کرد، و مبارزه با نفس را بعد از رسیدن به حد مطلوب، از گوشه حجرات و اتاق‌ها به جامعه کشاند. آیات ۱۰ تا سیزده سوره حجرات، هفت حکم اخلاقی (برادری و اخوت، خودداری از ریشخند کردن دیگران، خودداری از عیب‌یابی و عیب‌جویی نسبت به هم،

اجتناب از نسبت دادن لقب‌های زشت، پرهیز جدی از ترتیب اثر دادن به گمان‌های بد در حق یک‌دیگر، جست‌وجو نکردن در زندگی خصوصی افراد و خودداری از غیبت کردن) را مطرح نموده و اعلام می‌کند که شرط استقرار ایمان در دل‌های مسلمانان تعهد آنان به این مشخصه‌ها می‌باشد و اگر چنین نبود باید در ایمان مردم آن جامعه تردید نمود و در واقع چنین جوامع و افرادی نه تنها تحمل شنیدن حرف دیگران را ندارند بلکه به راحتی به مخالفین خود تهمت می‌زنند.

وقتی در امتی این اوصاف رذیله رسوخ کرد، بنای آن امت از هم می‌پاشد، اعضایش از هم جدا می‌شود و نفاق و فساد در میان آنان پدید می‌آید. پس از این تزلزل و سستی، طبیعت آن جامعه اقتضا می‌کند که نیروی بیگانه بر آن تسلط یابد. در جامعه‌ای که فساد و انحطاط اخلاقی وجود دارد، افراد آن جامعه گرچه در ظاهر جمع به نظر می‌آیند ولی در واقع دشمن یک‌دیگرند، چون دل‌های آنها از هم جداست.

آیت الله سید محمدباقر صدر در این مورد می‌گوید:

«امروز وضع مسلمانان تقریباً نقطه مقابل این تعالیم مقدس است. مسلمانان اغلب به مسائل اجتماعی توجه ندارند. کمتر کسی است که اصولاً منافع و مصالح اجتماعی را بشناسد. بیشتر مسلمان‌های عصر ما جز مصالح شخصی اصولاً مصلحتی نمی‌شناسند...» (دوامنامه ذکر، ش ۲۰، آذر ۸۶، ص ۱۲).

از مبانی مورد توجه امام برای رسیدن به اتحاد می‌توان به اخلاق و عدالت اشاره کرد:

الف - اخلاق

«شما اگر خودتان را حفظ کنید و اگر اخلاق اسلامی در خودتان نفوذ نکند و همه توجه به این مسائل داشته باشید که از اخلاق اسلامی یکی از امور مهمش قضیه تفرقه نداشتن و مجتمع بودن است همه با هم بودن است و تا حالا هم ما هر چه پیشرفت کرده‌ایم از این معنا بوده...» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۱۱).

عوامل اختلافی از ناحیه اخلاق عبارت است از:

۱- هوای نفس

«اختلاف نداشته باشید. در امور اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است، اگر همه انبیا در اینجا جمع شوند اختلاف ندارند برای آن که جهات نفسانی را ندارند، آن وقت که یک طرف جهت نفسانی دارد یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند آن وقت اختلافات پیدا می‌شود...» (پیشین، ج ۱۲، ص ۲۷).

۲- جهالت

«بی‌خود در صدد تفرقه‌اندازی هستند. مسلمان‌ها برادرند و تفرقه پیدا نمی‌کنند. با تبلیغات سوء بعضی عناصر فاسد، اصل این مسئله که شیعه و سنی، شیعه یک طرف و سنی یک طرف، این از روی جهالت و از روی تبلیغاتی است که اجانب کرده‌اند پیش آمده است چنان که بین خود شیعه هم اشخاص مختلفی را با هم به مبارزه وا می‌دارند و بین خود برادرهای سنی هم یک طایفه‌ای را به طایفه دیگر، در مقابل هم قرار می‌دهند.» (پیشین، ج ۱۳، ص ۴۵).

۳- حب نفس

«اختلاف ریشه‌اش حب نفس است. هر کس خیال می‌کند که من برای خدا این آقا را باهاش اختلاف می‌کنم یک وقت درست بنشیند در نفس خودش فکر کند ببیند ریشه کجاست، حسن‌ظن به خودش نداشته باشد سوءظن داشته باشد، ریشه همان ریشه شیطانی است که آن حب نفس انسان است...» (پیشین، ج ۱۸، ص ۴۶).

ب - عدالت

به فرموده قرآن، ارسال رسولان برای اقامه قسط و عدل بوده است و در روایات آمده است که حکومت با کفر باقی است ولی با ظلم با بر جا نخواهد بود. عدالت در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم مورد توجه بوده و طبق اصل ۱۴، به حکم آیه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ ... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» دولت و مسلمانان موظفاند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نموده و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.

از طرفی عدالت پیوندی انکارناپذیر با مقوله اخلاق دارد و بهتر است آن را پایه اخلاق بدانیم یا رابطه‌ای دو طرفه بین آن دو قائل شویم، و از طرف دیگر می‌توان گفت مبنای عدالت و جامعه عادل، اخلاقیات است، زیرا یک فرد متخلق به اخلاق حسنه اسلامی نمی‌تواند به دیگران ظلم کند و یا خود مظلوم واقع شود. هم‌چنین، کرامت انسان‌ها برای او همانند خانه خدا مهم خواهد بود و از این رو غیبت، تهمت و استهزای دیگران از خطوط قرمز اخلاق فردی و اجتماعی اوست.

با این تحلیل که آمادگی عناصر انسانی یک جامعه برای اجرای عدالت و پذیرش آن در تمام سطوح، در پرتو سلامت اخلاقی معنا دارد، افراد در چرخه خودسازی اخلاقی به این باور می‌رسند که به حقوق دیگران احترام بگذارند، حرمت قانون را پاس دارند، ظرفیت خود را برای تحمل طرف مقابل افزایش دهند و از همه مهم‌تر، به مرحله گذشت و ایثار برسند.

«... انبیا از آدم تا خاتم شریف آوردند برای اینکه پرچم توحید و عدالت را در بین ملت‌ها بر پا کنند...» (پیشین، ج ۱۷، ص ۷۷).

«این جانب با کمال تواضع دست خود را به طرف تمام جناح‌ها که در خدمت اسلام هستند دراز می‌کنم و از همه استمداد می‌کنم که با هم پیوستگی همه جانبه در راه بسط عدالت اسلامی که یگانه راه سعادت ملت است، کوشا باشند و از سایر جناح‌ها که در تحت تأثیر تبلیغات سوء اجانب واقع شده‌اند و مطالعات صحیحی در قوانین اسلام به همه ابعادش ندارند، تقاضا می‌کنم که در کار خود تجدید نظر کنند...» (پیشین، ج ۲، ص ۲۱).

«امیدواریم که با این تشکلی که دارید، این وحدت کلمه‌ای که دارید که همه را با هم در یک محل جمع کرده است ما را با شما در یک محل جمع کرده است، امیدواریم که وحدت روحی و وحدت عقیدتی داشته باشیم و همه در صف واحد به جلو برویم به سوی حکومت عدل الهی» (تبیان، پیشین، ص ۶۹).

فواید وحدت

در این جا به چند مورد از فواید وحدت که در کلام امام مطرح است اشاره می‌شود: «این معنا باید سرمشق باشد در تمام زندگی، که اگر یک ملتی همه قشرایش با هم بودند و یک پارچه بودند هیچ قدرتی نمی‌تواند در مقابل آنها ایستادگی کند و آسیبی به آنها برساند.» (پیشین، ص ۱۵۱).

عامل اصلی نابودی یک کشور و حکومت، تفرقه است که باید از آن پرهیز کرد؛ «ملتی که تمام قشرایش، خانم‌های محترمش و مردان معصومش با هم هستند و یک راه می‌روند این راه آسیب نخواهد دید، شما نگران آسیب‌های خارجی نباشید، از خارج نمی‌توانند شما را آسیب برسانند، مادامی که خودتان منسجم هستید. نه دخالت نظامی از آن کاری ساخته است و نه حصر اقتصادی و این مسائل که آنها پیش می‌آورند آنها از شان کاری ساخته نیست» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۶۰).

امام وحدت را عامل پیروزی، پیشرفت، افزایش مقاومت، قدرت و دفع توطئه‌ها می‌داند:

«شما اگر خودتان را حفظ کنید و اگر اخلاق اسلامی در خودتان نفوذ کند... مجتمع بودن است... تا حالا هم هر چه پیشرفت کرده‌ایم از این معنا بوده است... تاکنون هم بحمدالله هر چه توطئه بوده است در اثر همین بیداری که ملت دارند که دولت ما دارد و سایرین دارند همه خنثی شده است...» (پیشین، ج ۱۶، ص ۱۱۱).

«درود بر ملت مجاهد ایران، درود بر ملتی که با دست خالی، با اتکال به خدای تبارک و تعالی و وحدت کلمه و مقصد، ریشه ظلم، ریشه استبداد، ریشه ناسازگاری‌ها را از بیخ و بن کند...» (پیشین، ج ۵، ص ۱۷۰).

مضرات تفرقه

امام جهالت خودی‌ها، هوای نفسانی و نقشه دشمنان را از عوامل تفرقه برشمرد و مطرح کردن مسائل تفرقه‌افکن را خیانت می‌داند:

«یکی جزوه می‌دهد لعن می‌کند یک کسی را، یکی جزوه می‌دهد تعریف می‌کند... دست بردارید از نادانی، شما را تحریک نکنند... خیانت به اسلام نکنید، این تفرقه امروز خیانت به اسلام است با هر اسمی که باشد. امروز سر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام اختلاف کردن خیانت به اسلام است...» (پیشین، ج ۸، ص ۴۳).

«امروز روز این بحث‌ها نیست... خلاف مصالح اسلامی... این جزء نقشه‌ای از خارج است که نگذارند این مملکت آرام گیرد... این نقشه‌ای است که از خارج اشخاص شیطان الهام می‌کنند به اشخاص متدین و آنها هم بی‌توجه دنبال می‌کنند...» (پیشین، ج ۷، ص ۲۵۷).

«امروز روزی است که همه به دستور اسلام به دستور قرآن کریم با هم متحد باشند، تنازع نکنند، اگر تنازع با هم بکنند به هر شیوه‌ای باشند، به حسب قرآن کریم ممنوع است این تنازع و اگر تنازع بکنند فشل می‌آورد رنگ و بوی انسان را و علت را از بین می‌برد، این دستور خدای کریم است. این‌هایی که دارند کوشش می‌کنند تفرقه بیندازند و تنازع ایجاد بکنند و مع ذلک ادعای اسلام می‌کنند، اینها آن اسلام را که قرآن کریم کتاب اوست، آن اسلامی را که کعبه قبله اوست، آن اسلام را نیاخته‌اند و ایمان به آن اسلام نیاورده‌اند، آنها بی‌ایمان به اسلام آورده‌اند که قرآن را و محتوای قرآن را قبول دارند، محتوای قرآنی که می‌فرماید مؤمنون اخوه هستند...» (پیشین، ج ۱۳، ص ۴۵).

نتیجه گیری

امام خمینی علیه السلام به عنوان یک رهبر فقیه و اسلام‌شناس ماهر و وقت‌شناس با توجه به مناهمی چون قرآن و روایات و به حکم عقل تنها راه نجات اسلام و ملت‌های مسلمان و نجات مستضعفین را در اتحاد و هم‌دلی می‌داند و آن را به عنوان یک استراتژی سیاسی مذهبی مطرح می‌نماید و تمام آگاهان به مسائل مهم سیاسی و اعتقادی را برای حل بحران تفرقه فرا می‌خواند. وی همه سران مذاهب و گروه‌های سیاسی را فرا می‌خواند تا پس از بیداری خود و بیدار کردن دیگران، خودسازی‌های لازم را برای پیشرفت در سایه اتحاد ملی و انسجام اسلامی انجام دهند.

منابع و مآخذ:

۱. اتحاد ملی، *راهبردها و سیاست‌ها*، پژوهشگاه استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت.
۲. *آوای تقریب*، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، انتشاراتی فقه، ۱۳۷۳.
۳. *بیداری اسلامی چشم‌انداز آینده و هدایت آن*، مجموعه مقالات هفدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب بین مذاهب، ۱۳۸۴.
۴. جمشیدی، محمدحسین، *اندیشه‌های سیاسی شهید صدر*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۵. حسن ابراهیم حسن و پاینده، ابوالقاسم، *تاریخ سیاسی اسلام*، انتشارات جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۶۲.
۶. دوماهنامه ذکر، شماره ۲۰، آذر ۸۶.
۷. صائبی، محمد، *فرهنگ مدیریت*.
۸. صحیفه امام، ج ۱ و ۲ و ۵ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۰.
۹. عارفی، محمداکرم، *اندیشه سیاسی ملا مهدی نراقی*، بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ج ۱.
۱۰. *گفت‌نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، چاپ اول، ج ۱۴، ۱۳۷۳.
۱۱. لکزایی، نجف، *اندیشه‌های سیاسی شهید مطهری*، بوستان کتاب، قم.
۱۲. *مجله تبیان*، ش ۱۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، خرداد ۱۳۷۶.
۱۳. *مجله تخصصی فقه و اصول*، ش ۳، زمستان ۸۶.
۱۴. *مجله خواندنی‌ها*، ش ۴۹، س ۱۳۵۲.
۱۵. موقفی، احمد، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۶۵.

